

مصونیت قضائی کارشناسان ملل متحد با تاکید و معرفی قضایای مازیلو (۱۹۸۹) و کمارآسامی (۱۹۹۹)

چکیده: مصونیت قضائی کارشناسان در حین خدمت ملل متحد جزئی از مصونیت‌های آن سازمان است که به منظور حفظ استقلال سازمان، کارشناسان را از انواع تعقیبات قضائی محاکم ملی دولت محل مأموریت حراست می‌کند. به موجب مصونیت مذکور، محاکم ملی دولتی که در آن دعاوی‌ای علیه کارشناسان ملل متحد اقامه شده، مکلفند «در آستانه دعوی In Limine Litis قبل از ورود به ماهیت آن، راجع به مصونیت کارشناس تصمیم‌گیری نمایند. در حالی که دبیرکل ملل متحد به‌عنوان عالی‌ترین مقام اداری سازمان در تعیین استحقاق برخورداری کارشناس از مصونیت قضائی دارای صلاحیت انحصاری است و تصمیم وی برای محاکم مذکور لازم‌الاتباع است. قواعد فوق محصول قضایای مشورتی مازیلو و کمارآسامی است که به ترتیب در سال‌های ۱۹۸۹ و ۱۹۹۹ از جانب دیوان بین‌المللی دادگستری در پرتو رویه سازمان ملل متحد و کنوانسیون مصونیت و مزایای آن صادر شده‌اند که بررسی آن از جهات مختلف برای اهداف این مقاله سودمند است.

مصونیت و مزایای سازمان‌های بین‌المللی، محصول شکل‌گیری (۱) و توسعه سازمان‌های بین‌المللی از سویی و تسری مصونیت دولتی^۱ از سوی دیگر است (۲) که

* دانشجوی دکترای حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

نویسنده بر خود فرض می‌داند که بدین‌وسیله از راهنمایی آقای دکتر جمشید ممتاز تشکر نماید.

مطابق اسناد بین‌المللی به سه دسته ذیل قابل تقسیم‌بندی است: (۳)

۱. مصونیت و مزایای خود سازمان؛

۲. مصونیت و مزایای نمایندگان اعضای سازمان (۴)؛

۳. مصونیت و مزایای کارگزاران^۱ سازمان.

نکته‌ای که پرداختن به آن قبل از هر چیز مهم به نظر می‌رسد آن است که مبنای مصونیت و مزایای سازمان‌های بین‌المللی، برخلاف مصونیت دولتی که از حاکمیت دولت‌ها سرچشمه می‌گیرد، ضروریات شغلی یا حرفه‌ای^۲ آنهاست که به‌عنوان اصلی عرفی مورد اجماع علمای حقوق بین‌المللی قرار گرفته (۵) و در منشور ملل متحد متبلور شده است.

به موجب بند یک ماده ۱۰۵ آن منشور، «سازمان در سرزمین هر یک از اعضای خود از مصونیت و مزایای لازم، که برای نیل به مقاصد آن ضروری است، برخوردار خواهد بود.» از مهم‌ترین نتایج شغلی بودن مصونیت سازمان‌های بین‌المللی، محدود نمودن آن مصونیت به ضرورت‌های شغلی و کارکردی سازمان است که در حقیقت باید آن را فصل‌میز مصونیت سازمان‌های بین‌المللی از مصونیت‌های دیپلماتیک به شمار آورد.

چنین نتیجه‌ای که در جای خود نظریه مطلق بودن مصونیت سازمان‌های بین‌المللی را به کناری می‌نهد، از نظریه مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه جبران خسارت وارده به سرویس ملل متحد نیز قابل استنباط است:

«در حالی که یک دولت دارای تمامی حقوق و تکالیفی است که به موجب

حقوق بین‌الملل شناسایی شده، حقوق و وظایف یک نهاد از قبیل سازمان

بستگی به اهداف و وظایفی دارد که به‌طور صریح یا ضمنی در اسناد تأسیسی آن

سازمان پیش‌بینی شده یا اینکه در رویه آن توسعه یافته است.» (۶)

بنابراین، باید پذیرفت که با وجود عقیده مشاور حقوقی ملل متحد مبنی بر «مطلق بودن مصونیت اعطا شده به سازمان‌های بین‌المللی» (۷) چنین مصونیتی مطلق نبوده و در

حداقل امر، محدود به ضرورت‌های شغلی آنها می‌شود. (۸)

با تأملی کوتاه در مصونیت‌های سه‌گانه فوق و عنوان این مقاله - «مصونیت قضائی کارشناسان ملل متحد» - مشخص می‌شود که قصد از این نوشتار، بررسی بخش مختصری از مصونیت کارگزاران سازمان‌های بین‌المللی با نام مصونیت قضائی کارشناسان سازمان ملل متحد از تعقیب قضائی است.

روشن است که انتخاب چنین عنوانی، دامنه این مطالعه را در میان کارگزاران سازمان‌های بین‌المللی محدود به «کارشناسان ملل متحد» کرده و با کنار گذاشتن بررسی عمومی مصونیت آنان به بررسی «مصونیت قضائی» بسنده می‌کند.

با این حال نباید فراموش کرد که هنگامی که صحبت از سازمان ملل متحد می‌شود، خانواده گسترده ملل متحد منظور است که چه به لحاظ نظری و چه به لحاظ عملی در هر دو جهت مدل‌سازی و مطالعات تطبیقی، نفوذ غیرقابل انکاری در دیگر سازمان‌های بین‌المللی داشته است. از این‌رو هرگونه مطالعه حقوقی راجع به حقوق ملل متحد بی‌تردید در شناخت حقوق سازمان‌های بین‌المللی و تحولات آن سودمند است.

با وجود محدودیت‌های مذکور، هرگونه بررسی مصونیت قضائی کارشناسان ملل متحد مستلزم شناخت و تمییز آنان از دیگر کارگزاران ملل متحد؛ یعنی کارمندان آن است، حال آنکه در حصول به این مهم آنچه ضروری است؛ بررسی نظریه مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه قابلیت اعمال بخش ۲۲ ماده شش کنوانسیون مزایا و مصونیت‌های ملل متحد (۱۹۴۶) در سال ۱۹۸۹ (۹) می‌باشد که به قضیه «مازیلو» موسوم شده است. بنابراین در بخش نخست، ابتدا با عنایت به قضیه مازیلو به تعریف و تبیین مفهوم کارشناسان ملل متحد همت گمارده و سپس در بخش دوم و پایانی این مقاله با شرح قضیه دیگری از رویه بین‌المللی دادگستری که طی آن مصونیت قضائی یکی از کارشناسان ملل متحد (کمارآسامی) تهدید شده بود، اقدام به بررسی و تشریح مصونیت قضائی کارشناسان ملل متحد خواهیم کرد.

بخش نخست: کارشناسان در حین خدمت ملل متحد^۱

۱. طبقه‌بندی کارگزاران ملل متحد: منابع حقوقی و تأسیسی

حقیقت این است که سازمان ملل متحد به‌عنوان عالی‌ترین نوع از سازمان‌های بین‌المللی موجود، (۱۰) با وجود داشتن شخصیت حقوقی - بین‌المللی مستقل از دول عضو، (۱۱) نهاد فرضی‌ای بیش نیست که در هر حال توسط دولت‌های عضو و به‌دست اشخاصی حقیقی اداره می‌شود.

رایج‌ترین طبقه‌بندی‌ای که از اشخاص مذکور به عمل آمده، طبقه‌بندی آنان به کارمندان^۲ و کارشناسان ملل متحد است. حال آنکه منشور ملل متحد به‌عنوان سند تأسیسی آن سازمان در این خصوص ساکت است. به نحوی که با توسل به واژه کلی کارگزاران ملل متحد (Officials) در بند دو ماده ۱۰۵ از ورود به تقسیم‌بندی آنان پرهیز کرده است. به موجب آن بند، «نمایندگان اعضای ملل متحد و کارگزاران سازمان نیز به همین نحو از مصونیت و مزایای لازم که برای انجام مستقلانه وظایفشان ضروری است، برخوردار خواهند بود» در حالی که در فصل پانزدهم با توسل به واژه (Staffs) از کارمندان ملل متحد نام می‌برد که در هر حال قسمتی از دبیرخانه را تشکیل می‌دهند (بند دو ماده ۱۰۱). بنابراین با عنایت به مقررۀ مندرج در بند سوم ماده ۱۰۵ منشور می‌توان چنین نتیجه گرفت که منشور با شناسایی عدم محدودیت کارگزاران ملل متحد به کارمندان دبیرخانه، طبقه‌بندی و دیگر جزئیات را به اسناد بعدی که مکمل حقوق منشور به شمار می‌آیند، محول کرده است. چه آنکه به موجب بند سوم ماده ۱۰۵، «مجمع عمومی می‌تواند برای تعیین جزئیات اجرای بندهای اول و دوم این ماده توصیه‌هایی نموده یا بدین‌منظور کنوانسیون‌هایی را به اعضا پیشنهاد کند.» کنوانسیون مزایا و مصونیت‌های ملل متحد موسوم به کنوانسیون عمومی^۳ در سال ۱۹۴۶ و موافقتنامه مقرر

1. Experts on Missions.

2. Staffs.

3- Convention on the privileges & Immunities of the United Nations: General Convention.

منعقدہ میان ملل متحد و ایالات متحدہ^۱ امریکا در سال پس از آن (۱۲) در راستای این بند از مادہ ۱۰۵ منشور و با ہمت مجمع عمومی بترتیب بہ تصویب و امضای اعضا و مجمع عمومی ملل متحد رسیدہ است.

مواد پنج و شش کنوانسیون عمومی، بترتیب اختصاص بہ کارمندان و کارشناسان در حین خدمت ملل متحد دارد کہ اقدام بہ تبیین مصونیت و مزایای آنان کردہ اند. بنابراین باید ابتکار چنین طبقہ بندی را از آن کنوانسیون عمومی سال ۱۹۴۶ دانست. طبقہ بندی مذکور با آنکہ خاص کارگزاران ملل متحد است، با اقبال اسناد تأسیسی و حقوقی دیگر سازمان های بین المللی، چہرہ عام یافته است.

حداقل دو نمونہ از چنین رویکردی مربوط بہ بند پنج از مادہ یازدہ موافقتنامہ حقوق، مصونیت و مزایای دبیرخانہ سازمان همکاریہای اقتصادی (اگو)^۲ با دولت جمہوری اسلامی ایران (۱۳) و فصول پنج و شش از موافقتنامہ مصونیت و مزایای سازمان کنفرانس اسلامی^۳ (۱۴) می شود کہ تقسیم بندی مذکور را با اندک تغییراتی رعایت کردہ اند.

افزون بر این باید گفت کہ این سند پس از منشور ملل متحد یکی از مهم ترین کنوانسیون های جهان شمول است کہ بیش از دو سوم اعضای ملل متحد در آن عضویت دارند. با این حال «... گفته شدہ کہ با عنایت بہ مادہ ۱۰۵ منشور و عضویت گسترده اعضای ملل متحد، مقررات کنوانسیون حاضر بر تمامی اعضای سازمان ملل متحد الزام آور است کہ مبین عرفی شدن مقررات کنوانسیون عمومی است.» (۱۵)

دیوان بین المللی دادگستری نیز با در نظر داشتن چنین خصیصہ ای، در قضیہ مازیلو الزام آور بودن مقررات کنوانسیون مذکور را حتی بہ دولت های غیر عضو نیز تسری دادہ اند:

«مصونیت و مزایای مندرج در مواد پنج و شش کنوانسیون عمومی با عقیدہ

1- Agreement Between the United Nations & United States of America Regarding the Headquarters of the United Nations.

2- Economic Cooperation Organization :ECO.

3- Organization of the Islamic Conference :OIC.

تضمین استقلال کارمندان و کارشناسان بین‌المللی اعطا شده‌اند [از این رو] این استقلال باید از جانب تمامی دولت‌ها از جمله؛ دولت متبوع و دولت محل اقامت کارمند یا کارشناس رعایت شود.» (۱۶)

۲. کنوانسیون عمومی ۱۹۴۶ و ابهامات

گفته شده که کنوانسیون عمومی با طبقه‌بندی کارگزاران ملل متحد به کارمندان و کارشناسان در حین خدمت ملل متحد، اقدام به تعیین مصونیت و مزایای آنان نموده است. حال باید دید که آن کنوانسیون چه تعریفی از آنان و بخصوص کارشناسان ملل متحد ارائه یا احیاناً چه ضوابطی را برای شناسایی و تعریف آنان به دست داده است. به موجب بخش هفدهم از ماده پنج کنوانسیون عمومی با عنوان؛ کارمندان، «دبیرکل، فهرست کارمندان مشمول مقررات این ماده و ماده هفت را پس از تعیین و طبقه‌بندی، به مجمع عمومی تسلیم کرده و پس از آن به اطلاع دولت‌های عضو خواهد رسید.» و به موجب بخش ۲۲ از ماده شش کنوانسیون مذکور با عنوان؛ کارشناسان در حین خدمت ملل متحد، (جدای از کارمندانی که مشمول مقررات ماده پنج می‌شوند) «کارشناسان در حین خدمت ملل متحد در خلال مدت مأموریتشان اوقاتی را که برای مسافرت در ارتباط با مأموریت صرف می‌کنند، از مصونیت و مزایای ضروری برای اجرای مستقل وظایفشان، برخوردار می‌باشند.

آنها به‌ویژه از مصونیت و مزایای ذیل برخوردار خواهند شد:

الف. مصونیت از بازداشت یا توقیف شخصی و مصونیت از ضبط توشه‌های شخصی.

ب. مصونیت از هر نوع تعقیب قضائی در ارتباط با اظهارات شفاهی و کتبی یا اعمالی که در راه اجرای وظایف رسمی خویش به عمل می‌آورند. مصونیت از تعقیب قضائی همچنان پس از خاتمه مأموریت نیز ادامه خواهد یافت.

ج. مکاتبات و تمام اسناد از تعرض مصون خواهد بود.

د. برای برقراری ارتباط با ملل متحد، حق استفاده از کد و برای دریافت اوراق یا اسناد، حق استفاده از پیک و بسته‌های مهر و موم شده وجود دارد.

ه. برخورداری از همان تسهیلات ارزی که نمایندگان دولت‌های خارجی در مأموریت‌های رسمی از آنها استفاده می‌کنند.

و. برخورداری از همان مصونیت و مزایایی که در مورد اثاثیه شخصی، به مأموران دیپلماتیک اعطا می‌گردد.»

چنانچه دیده می‌شود در دو ماده فوق نه تنها هیچ تعریفی از کارمندان و کارشناسان ملل متحد به عمل نیامده است بلکه ضوابطی نیز جهت شناسایی و تعریف آنان وجود ندارد. همان‌طور که در خصوص کارشناسان ملل متحد ماهیت، نوع، زمان و مکان مأموریت آنها و از همه مهم‌تر شخص یا مقام صلاحیتداری برای احراز انطباق رفتار کارشناسان با ضرورت‌های مأموریت آنها تعیین نشده است. عدم تعریف کارشناسان در حین خدمت در کنار ابهامات فوق‌الذکر، چالش‌های حقوقی جدی‌ای را در شناسایی کارشناسان و مصونیت و مزایای آنان بین دولت‌های عضو و ملل متحد به وجود آورده است که خوشبختانه به مدد نظام حل و فصل اختلافات کنوانسیون عمومی، حل و فصل شده‌اند. به موجب بخش سی کنوانسیون:

تمامی اختلافات ناشی از تفسیر یا اجرای کنوانسیون حاضر به دیوان بین‌المللی ارجاع داده خواهد شد، مگر آنکه طرفین اختلاف بر توسل به دیگر روش‌های حل اختلاف توافق نمایند.

در صورت بروز اختلاف میان ملل متحد و یکی از اعضا، مطابق ماده ۹۶ منشور و ۶۵ اساسنامه، از دیوان برای صدور نظریه مشورتی درخواست سؤال مشورتی می‌شود. در حالی که نظریه اعطایی دیوان از ناحیه طرفین اختلاف به‌عنوان تصمیم قطعی^۱ پذیرفته خواهد شد.»

نظام حقوقی پیش‌بینی شده در این بخش - صرف نظر از قسمت اول آن که به صلاحیت اجباری - ترافی دیوان بین‌المللی دادگستری در اختلاف میان اعضا اختصاص دارد - با عنایت به دو نکته بدیع (۱۷) قابل توجه به نظر می‌رسد:

(۱) این بخش با پیش‌بینی امکان درخواست نظر مشورتی برای حل و فصل اختلافی که

یک طرف آن دولت (عضو) و طرف دیگر آن یک سازمان بین‌المللی (سازمان ملل متحد) است، در حقیقت انقلابی را در حقوق سنتی حل و فصل اختلافات بین‌المللی به وجود آورده است که به موجب آن اصولاً، ترافع در نزد دیوان بین‌المللی دادگستری در شأن دولت‌ها شناخته می‌شود، بند یک ماده (۱۸) ۳۴ اساسنامه دیوان، بازتاب چنین بینش سنتی است.

۲) اعطای قراردادی قدرت الزامی به آرای دیوان بین‌المللی دادگستری با وجود آنکه این آرای به موجب منشور و اساسنامه دیوان، فاقد قدرت الزامی شناخته می‌شوند، منجر به شکل‌گیری نوع جدیدی از آرای مشورتی با عنوان «آرای مشورتی الزام‌آور»^۱ شده که قدرت الزامی خویش را از توافقات قراردادی خارج از منشور و اساسنامه دیوان به دست می‌آورند. (۱۹) توسل به نظام مذکور در کنار درخواست نظر مشورتی به منظور تفسیر کنوانسیون مذکور تا حدود زیادی توانسته است تا ابهامات فوق‌الذکر را از میان بردارد.

دیوان بین‌المللی دادگستری در هر کدام از قضایای مشورتی مازیلو (۱۹۸۹) و اختلاف راجع به مصونیت قضائی مخبر ویژه کمیسیون حقوق بشر یا کمارآسامی (۱۹۹۹)، با تفسیر کنوانسیون مذکور و بترتیب با تعریف دقیق کارشناسان در حین خدمت ملل متحد و شناسایی مصونیت کارشناسان در دولت متبوع آنها در قضیه مازیلو و تعیین دبیر کل ملل متحد به عنوان مقام صلاحیتدار جهت احراز انطباق رفتار کارشناس ملل متحد با ضرورت‌های مأموریت او، در کنار شناسایی قاعده کلی آیین دادرسی حقوقی به نام در آستانه یا بدو دعوی «*In Limine Litis*» و مصونیت قضائی کارشناسان، در قضیه کمارآسامی تلاش وافر را در تنویر و توسعه مقررات کنوانسیون عمومی ۱۹۴۶ از خود نشان داده است که از جهات مختلف حائز توجه فراوان است و که تحلیل آنها می‌تواند این نوشته را در رسیدن به اهدافش که همان تعریف و تبیین مصونیت قضائی کارشناسان ملل متحد است، یاری نماید.

در این میان تعریف کارمندان ملل متحد با وجود سکوت و ابهامات مندرج در بخش

1. "Binding" Advisory Opinions.

هفدهم از ماده پنج کنوانسیون، چندان دشوار به نظر نمی‌رسد چرا که این مهم با عنایت به حکم مقرر در آن بخش با همت دبیرکل وقت سازمان با تصویب قطعنامه شماره (۲۰) ۷۶ مجمع عمومی انجام شده است که به موجب آن؛ اشخاصی، کارمند ملل متحد و مشمول مقررات مواد پنج و هفت کنوانسیون عمومی شناخته می‌شوند که دارای رابطه اداری و استخدامی با سازمان ملل متحد باشند.

چنانچه روشن است داشتن رابطه استخدامی با ملل متحد، شاخص اصلی شناسایی کارمندان ملل متحد است؛ در حالی که در جای خود باید وجه ممیز آنان نیز از کارشناسان در حین خدمت به شمار آید. چرا که در تقابل با تعریف کارمندان ملل متحد، وضعیت کارشناس در حین خدمت را می‌توان به وضعیت مشخصی تعریف نمود که بدون داشتن رابطه استخدامی با سازمان، از جانب آن برای انجام مأموریتی انتخاب یا منصوب شده باشد.

تعاریف فوق، بخصوص تعریف کارشناس در حین خدمت ملل متحد، محصول و مستنبط از رأی مشورتی سال ۱۹۸۹ دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه مازیلو است که طی آن برای اولین بار مسأله تعریف کارشناس در حین خدمت و انطباق آن با وضعیت آقای «دمیتریو مازیلو»^۱ به عنوان مخبر ویژه کمیسیون فرعی منع تبعیض و حمایت از اقلیت‌های کمیسیون حقوق بشر شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد^۲ در چارچوب بخش ۲۲ کنوانسیون عمومی مطرح شد.

۳. قضیه مازیلو و تعریف کارشناسان در حین خدمت

قبل از بررسی و تشریح عناصر تعریفی‌ای که در بند قبلی، از کارشناس در حین خدمت ملل متحد انجام شد، شرح مختصری از چگونگی شکل‌گیری قضیه مازیلو و ماهیت اختلاف موجود در آن ضروری است.

قضیه بدین قرار بود که آقای مازیلو تبعه دولت رومانی با معرفی از جانب دولت

1. Dumitru Mazilu.

2. Economic & Social Council: ECOSOC

متبوع خویش در سیزده مارس ۱۹۸۴ به مدت سه سال به عضویت کمیسیون فرعی منع تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها درآمد و در سال ۱۹۸۵ با تصویب قطعنامه ۱۲/۱۹۸۲ مأمور تهیه گزارشی از وضعیت حقوق بشر در دولت متبوعش بخصوص در بخش‌های حق حیات، آموزش و کارگردید.

در سال ۱۹۸۶ که باید گزارش آقای مازیلو آماده و تحویل کمیسیون فرعی شود، هیچ خبری از آقای مازیلو و گزارش نشد و در مقابل، دولت رومانی به اطلاع رسانید که وی دچار حمله قلبی شده و در بیمارستان بستری است (۲۳) و به واسطه بیماری «... از اهلیت فکری لازم برای تهیه یک گزارش عینی، مسؤولانه و عاری از هرگونه غرض‌ورزی مطابق با اهداف ملل متحد، برخوردار نبوده و نمی‌باشد.» (۲۴)

متعاقب چنین وضعی، تلاش‌های فراوانی برای اطلاع و دسترسی به آقای مازیلو توسط دبیرکل وقت ملل متحد انجام شد که توفیقی حاصل نشد ولی با رسیدن دو نامه از وی روشن شد که او اصولاً از ارتباطات دولت رومانی با کمیسیون فرعی بی‌خبر نگاه داشته شده است و طرح ادعای بیماری قلبی و عدم اهلیت فکری وی دارای مبانی درستی نمی‌باشد. لذا ضرورت حضور و سفر مازیلو برای شرکت در اجلاس کمیسیون فرعی و ارایه گزارش به دولت رومانی تذکر داده شد. (۲۵) حال آنکه، سرانجام نماینده دایم آن دولت در ملل متحد به دبیرکل اعلام نمود که، «هرگونه مداخله توسط دبیرخانه ملل متحد و هر شکل از تحقیقات در بخارست، مداخله در امور داخلی رومانی در نظر گرفته خواهد شد [چراکه] قضیه آقای مازیلو یک موضوع داخلی میان یک شهروند و دولت می‌باشد و از این رو به هیچ دلیلی اجازه سفر به مازیلو داده نخواهد شد.» (۲۶)

بنابراین، میان دولت رومانی و سازمان ملل متحد بر سر اعمال مصونیت‌های مقرر در کنوانسیون عمومی ملل متحد بر آقای مازیلو مخبر ویژه کمیسیون فرعی، اختلافی از نوع مقرر در بخش سی که به موجب رأی مشورتی الزامی قابل حل و فصل بود، شکل گرفته بود. در حالی که دولت رومانی نیز عضو آن کنوانسیون بود.

با این حال، تحفظ مورخ پنج جولای ۱۹۵۶ آن دولت که هنگام پیوستن به کنوانسیون، به بخش سی (صلاحیت اجباری - مشورتی) دیوان داده شده بود مانع از آن بود که ملل متحد در چارچوب آن بخش، اقدام به درخواست نظر مشورتی الزامی بنماید لذا به

موجب صلاحیت پیش‌بینی شده در بند دو ماده ۹۶ منشور با تصویب قطعنامه ECOSOC 1989/75 از دیوان بین‌المللی دادگستری با موضوع ذیل، درخواست نظر مشورتی شد: «با عنایت به بروز اختلاف میان ملل متحد و دولت رومانی بر سر آقای دمیتریو مازیلو، گزارشگر ویژه کمیسیون فرعی منع تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها،... آیا کنوانسیون مزایا و مصونیت‌های ملل متحد مصوب ۱۹۴۶ نسبت به آقای مازیلو قابل اعمال است؟» (۲۸)

در پاسخ به این سؤال بود که دیوان با تشریح و تفسیر بخش ۲۲ از ماده شش کنوانسیون عمومی اقدام به تبیین و تعریف مفهوم کارشناس در حین خدمت نمود. تعریفی که در آن مفاهیمی همچون؛ نقش رابطه قراردادی - استخدای، کارشناس تبعه دولت محل خدمت، نفی نمایندگی دولت متبوع کارشناس و مفهوم Mission یا مأموریت در تقابل با ادعاها و استدلال‌ات دولت رومانی تبیین گردد. تعریف ارائه شده فوق نیز با الهام از این مفاهیم مندرج در نظریه مشورتی دیوان، دارای عناصری است که با تشریح آنها ابعاد ناگفته آن هویدا خواهد شد.

الف. کارشناس دارای رابطه اداری - استخدای با سازمان نمی‌باشد

چنانچه گفته شد، وجه ممیز کارمندان از کارشناسان در حین خدمت سازمان در وجود یا عدم رابطه اداری - استخدای با سازمان است. با این حال، داشتن چنین رابطه‌ای نیز احتمالاً نمی‌تواند تأثیری در وضعیت آنها داشته باشد؛ چه آنکه اساس و ماهیت شغلی آنها نه بر مبنای اداری بلکه متکی بر ماهیت مأموریتشان می‌باشد. به نظر دیوان بین‌المللی دادگستری:

«اساس ماهیت شغلی [کارشناسان] نه بر مبنای وضعیت اداری بلکه متکی بر ماهیت مأموریتشان می‌باشد.» (۲۹)

از سویی دیگر، داشتن چنین رابطه‌ای به نحو اصولی مغایر با اهداف بخش ۲۲ کنوانسیون عمومی و به طور کلی مغایر با تلاش سازمان‌های بین‌المللی در جلب کارشناسان متبوع اعضایشان می‌باشد. چرا که وجود رابطه اداری - استخدای مستلزم قید و بندهای قانونی مشخصی است که از میل و اشتیاق خبرگان دولت‌های خبرگان

عضو سازمان‌های بین‌المللی می‌کاهد؛ در حالی که برای مثال هدف اصلی از بخش ۲۲ کنوانسیون عمومی ضرورت دستیابی و بهره‌مندی هر چه بیشتر ملل متحد از کارشناسان و خبرگان دولت‌های عضو بوده است که اعطای مزایا، مصونیت‌ها و تسهیلات مقرر در آن ماده نیز در راستای همین هدف قابل توجیه است. لذا به نظر می‌رسد که لزوم رابطه اداری - استخدامی که مستلزم انعقاد قرارداد میان سازمان و کارشناس است مغایر با این اهداف می‌باشد؛ از این رو ملاک اصلی شناسایی کارشناسان همان «مأموریت Mission» کارشناس می‌باشد.

ب. مأموریت کارشناس: لزوم یا عدم لزوم سفر برای تعلق مصونیت و مزایا

تبادر اولیه لغوی از واژه «مأموریت» که ترجمان واژه لاتین Mission است؛ انجام وظیفه‌ای است که مستلزم مسافرت عامل آن است.

چنین برداشتی در قضیه مازیلو منتهی به این استدلال دولت رومانی شد که به موجب آن، «کنوانسیون، گزارشگران را که فعالیتشان موردی است با کارشناسان در حین خدمت، یکسان فرض نمی‌کند. حتی اگر چنین موقعیتی نیز به آنان اعطا شود... بهره‌مندی آنان از مزایا و مصونیت‌های مقرر در کنوانسیون [عمومی ۱۹۴۶] فقط در لحظه‌ای که کارشناس اقدام به سفر در ارتباط با مأموریتش می‌کند و در سرزمین دولت‌های محل عبور اعمال خواهد شد.» (۳۰) در حالی که، دولت رومانی اجازه سفری به آقای مازیلو نخواهد داد. (۳۱) چنین استدلالی دیوان را واداشت که اقدام به تفسیر واژه مأموریت Mission در بخش ۲۲ کنوانسیون عمومی بنماید. به نظر دیوان:

«اگر چه در ریشه لاتین، مأموریت Mission به وظیفه‌ای اطلاق می‌شود که شخص برای انجام آن می‌باید به منطقه‌ای اعزام گردد و [از این رو] دلالت بر مسافرت دارد... اما امروزه به‌طور کلی چه در زبان انگلیسی و چه در زبان فرانسه شامل وظایفی می‌شود که به یک شخص واگذار می‌گردند؛ اعم از اینکه آن وظایف با مسئله مسافرت در آمیزند یا در نیامیزند.» (۳۲)

یکی از مصادیق بارز تفسیر مؤثر اسناد و معاهدات بین‌المللی همین بند از نظریه دیوان است که دیوان ضمن برداشت کلیت مفهوم مأموریت با تمسک به تفسیر امروزی،

آن را تنها به دلایل ادبی دیرین از تحولات حقوقی و واقعی زمان تفسیر محروم نساخته است که شایسته توجه بسیار است. منطق حقوقی نیز جز این حکم نمی‌کند «هنگامی که قصد بخش ۲۲ کنوانسیون آن بوده که با اعطای مزایا و مصونیت‌های ضروری به کارشناسان، استقلال آنها را به نفع سازمان تضمین نماید» (۳۳) دیگر، هرگونه تفسیری که به موجب آن کارشناس در حین خدمت، کارشناس در حال سفر معرفی شود، خالی از وجهت حقوقی خواهد بود.

از سویی دیگر، «در رویه... [نیز] سازمان ملل متحد فرصت‌هایی را داشته که به اشخاصی که وضعیت کارمندان ملل متحد را نداشته‌اند، مأموریت‌هایی - با ماهیت متنوع - اعطا بکند. به چنین اشخاصی [مأموریت‌هایی] برای میانجیگری، تهیه گزارشات، انجام مطالعات یا تحقیقات و حقیقت‌یابی اعطا شده است. آنها در نیروهای حافظ صلح، امداد فنی و تعداد کثیری از دیگر فعالیت‌ها مشارکت داده شده‌اند. به علاوه بسیاری از کمیته‌ها، کمیسیون‌ها یا مجموعه‌های مشابه که اعضایشان نه به عنوان نمایندگان دولت‌ها بلکه در اهلیت شخصی حضور دارند، در چارچوب سازمان تشکیل شده‌اند؛ برای مثال؛ کمیسیون حقوق بین‌الملل، کمیته مشورتی اداری و مسائل بودجه‌ای کمیسیون بین‌المللی خدمات دولتی^۱، کمیته حقوق بشر تأسیس شده برای اجرای میثاق‌های بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و دیگر کمیته‌هایی با ماهیت مشابه از قبیل کمیته حذف تبعیض نژادی یا کمیته حذف تمام اشکال تبعیض علیه زنان. در تمام این موارد رویه ملل متحد حاکی از آن است که اشخاص منصوب شده و به‌ویژه اعضای این کمیته‌ها و کمیسیون‌ها به عنوان کارشناس در حین خدمت در چارچوب معنای بخش ۲۲ در نظر گرفته شده‌اند.» (۳۴)

بنابراین، بر خلاف ادعای دولت رومانی رویه چندین ساله ملل متحد حاکی از آن است که گزارشگران ویژه (از جمله آقای مازیلو) کمیته فرعی کمیسیون حقوق بشر نیز کارشناس در حین خدمت در چارچوب بخش ۲۲ کنوانسیون عمومی بوده و آن

1. Advisory Committee on Administrative & Budgetary Question.

2. International - Civil Service Commission.

کنوانسیون بر آنها قابل اعمال خواهد بود. (۳۵)

چرا که قصد بخش ۲۲ آن بوده که، «سازمان ملل متحد را برای اعطای مأموریت به اشخاصی که کارمند ملل متحد نیستند، قادر سازد... اعم از آنکه کارشناسان انتخابی یا انتصابی افتخاری یا دارای حقوق (دستمزد)، با قرارداد یا بدون آن و برای یک مدت طولانی یا کوتاه که لازمه انجام مأموریتشان است، برگزیده شده باشند.» (۳۶) بنابراین، فعالیت موردی گزارشگران به ویژه آنگونه که مورد ادعای دولت رومانی بوده نمی‌تواند مانعی در شناسایی آنان به عنوان کارشناس در حین خدمت باشد.

ج. کارشناس تبعه دولت محل مأموریت

علت اصلی شکل‌گیری قضیه مازیلو تابعیت رومانیایی وی بود که در دیدگاه دولت رومانی مازیلو به عنوان تبعه رومانی نمی‌توانست دارای مصونیتی فرض شود. به عبارت دیگر از جانب کمیسیون فرعی کمیسیون حقوق بشر به وی مأموریت داده شد که گزارشی از وضعیت حقوق بشر در دولت رومانی تهیه کرده و تسلیم کمیسیون فرعی نماید. لذا کارشناس ملل متحد در موضوع مربوطه، تبعه دولت محل مأموریتش بود. آن دولت استدلال می‌کرد که «قضیه مازیلو موضوعی داخلی میان یک شهروند و دولت [متبوعش] می‌باشد؛ لذا هر نوع مداخله توسط دبیرخانه ملل متحد و هر شکل از تحقیقات در بخارست مداخله در امور داخلی رومانی در نظر گرفته خواهد شد...» (۳۷) از سویی دیگر، با فرض پذیرش مازیلو به عنوان کارشناس در حین خدمت نیز به موجب کنوانسیون کارشناس از مصونیت و مزایای مقرر در کنوانسیون در دولتی که در آن اقامت دایم دارد یا تبعه آن است، بهره‌مند نخواهد بود. بلکه فقط در دولت دیگری که در آن در حال خدمت و در دوران خدمتش از آنها برخوردار خواهد بود. (۳۸)

چنین موضع‌گیری از جانب دولت رومانی مؤید این واقعیت بوده که به اعتقاد آن دولت در صورت پذیرش آقای مازیلو به عنوان کارشناس در حین خدمت ملل متحد، باز هم به واسطه وجود رابطه تابعیت میان او و دولت متبوعش (رومانی) هیچ نوع رابطه حقوقی از نوع مزایا و مصونیت‌های مقرر در کنوانسیون عمومی برای وی قابل شناسایی نیست؛ چرا که در حقوق بین‌الملل اصولاً اتباع را نمی‌توان در برابر دولت متبوعشان

دارای مصونیت یا امتیازات بین‌المللی فرض نمود حتی اگر دارای مأموریت‌های بین‌المللی باشند.

چنین وضعیتی برای نمایندگان دائم دولت‌های عضو در نزد سازمان به موجب بخش پانزده از ماده چهار کنوانسیون پیش‌بینی شده است. به موجب آن بخش: «مقررات مواد بخش‌های یازده، دوازده و سیزده - [شامل مصونیت و مزایای پیش‌بینی شده] - میان یک نماینده و مقامات دولتی که نماینده تبعه آن است یا از جانب آن نمایندگی دارد یا نمایندگی داشته، قابل اعمال نخواهد بود.» چرا که مصونیت نماینده دولتی در برابر آن دولت، قابل استناد نمی‌باشد. در حالی که مواد پنج و شش آن کنوانسیون مربوط به کارمندان و کارشناسان در حین خدمت، شامل قاعده مشابهی نمی‌باشند و این در صورتی بود که کنوانسیون می‌توانست به مانند ماده چهار آن را پیش‌بینی کند. چنین سکوتی چگونه قابل تفسیر است. آیا آن مبین قصد پنهان مؤسسين و طراحان کنوانسیون می‌باشد که می‌خواسته‌اند بنا به منافع سازمان، مصونیت‌ها و مزایای کارشناسان و کارمندان حتی در دولت متبوع نیز رعایت گردد، یا اینکه توجیه دیگری در میان است. به نظر دیوان بین‌المللی دادگستری:

«مزایا و مصونیت‌های مندرج در مواد پنج و شش، با عقیده تضمین استقلال کارمندان و کارشناسان بین‌المللی به نفع سازمان اعطا شده‌اند. این استقلال - [که لازمه منطقی رعایت مصونیت و مزایای فوق‌الذکر است] - باید از جانب تمامی دولت‌ها از جمله دولت متبوع و دولت محل اقامت [کارمند یا کارشناس] رعایت شود.»

از سویی دیگر، «تعدادی از دولت‌های طرف کنوانسیون (کانادا، جمهوری دمکراتیک مردمی لاؤ، نپال، تایلند، ترکیه و ایالات متحده امریکا) به پاره‌ای از مقررات ماده چهار یا (دولت‌های مکزیک و امریکا) تحفظاتی را در ارتباط با اتباع یا اشخاصی که به‌طور دائمی در سرزمین‌شان اقامت دارند، وارد کرده‌اند.... اعلام چنین تحفظاتی، مؤید این نتیجه است که در صورت عدم ورود چنین تحفظاتی، کارشناسان در حین خدمت از مزایا و مصونیت‌های مقرر کنوانسیون در رابطه با دولت‌های متبوع و محل اقامت دائم آنان بهره‌مند خواهند بود.» (۳۹)

این نظریه مشورتی که با اجماع (۴۰) قضات دیوان داده شده است، در آوریل سال ۱۹۹۹ در قضیه کمارآسامی میان دولت مالزی به عنوان دولت متبوع کارشناس و سازمان ملل متحد از سوی و دیگر دول مشارکت‌کننده در رسیدگی از سوی دیگر، مورد «توافق کامل»^۱ قرار گرفت. (۴۱)

به این ترتیب، می‌توان به این نتیجه مهم رسید که جامعه بین‌المللی در فاصله یک دهه (قضیه مازیلو ۱۹۸۹ - قضیه کمارآسامی ۱۹۹۹) با دستیابی به دو سابقه ارزشمند مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص مصونیت کارشناس در سرزمین دولت متبوع خویش، به توافق عام یا اجماع دست یافته است که از ضروریات شکل‌گیری قاعده عرفی در حقوق بین‌الملل می‌باشند. رسیدن به چنین قاعده‌ای خود مستلزم پذیرش قاعده عرفی دیگری در شناسایی تعریف «کارشناس در حین خدمت» می‌باشد. که چنین نکته‌ای نیز مورد توافق مقدماتی بوده است. (۴۲)

با این حال چنین به نظر می‌رسد که شناسایی چنین قواعدی به ویژه قاعده مصونیت کارشناس تبعه دولت محل مأموریت، بالقوه خطر جدی‌گیر دولت‌ها از استفاده و معرفی اتباع خویش به عنوان کارشناسان سازمان‌های بین‌المللی - در قبال آنچه که امروزه می‌توان آن را رویکرد سازمان‌های بین‌المللی به استفاده از مؤسسات غیردولتی^۲ و اتباع دولت‌های عضو برای انجام مأموریت‌های آنها در امور داخلی دولت‌هایشان نامید - به دنبال داشته باشد.

روشن است که چنین رویکردی می‌تواند در کاستن از مشکلات فراوان و سنتی ناشی از وجود حاکمیت دولت‌ها در پذیرش و حضور کارشناسان بیگانه سازمان‌های بین‌المللی در سرزمین آنها موثر باشد و بر سطح کیفی تحقیقات و گزارشات بیفزاید. ولی از سوی دیگر، تخصص و اطلاعات بومی کارشناسان تبعه دولت محل مأموریت در کنار مصونیت‌های گسترده آنها، انگیزه مناسب و کافی را به دولت‌ها برای گریز از چنین رویکردی را خواهد داد. چرا که کارشناسان با داشتن استقلال شغلی

1. Full Agreement.

2. Non - Governmental Organizations: NGO

هیچ‌گاه نماینده دولت متبوع خویش به شمار نمی‌آیند، حتی اگر در آن دولت مأموریت داشته باشند. بنابراین، باید یکی از جوانب حتمی این دو رأی مشورتی را در شناسایی قواعد مذکور، تضعیف این رویکرد جهانی دانست.

د. کارشناس در انجام مأموریت اعطایی، نماینده دولت متبوع خویش نمی‌باشد
اعم از اینکه مأموریت کارشناسان در دولت متبوع خویش یا دول دیگری باشد، در هر حال آنها در اهلیت فردی خویش انتخاب و منصوب می‌شوند و هیچ‌گاه نمایندگان دولت‌های متبوعشان به شمار نمی‌روند. (۴۳) اگر چه عموماً به وسیله دولت‌های متبوعشان به سازمان معرفی و با صلاحدید آنان منصوب می‌شوند.
هر گونه وابستگی یا نمایندگی کارشناس به هر دولتی بخصوص دولت متبوع خویش منافی قصد بخش ۲۲ کنوانسیون عمومی است که هدفش تضمین استقلال کارشناس است. چرا که اصولاً ارتباط تنگاتنگی میان استقلال سازمان و استقلال مأمور یا کارشناس آن وجود دارد.

بخش دوم. مصونیت قضائی کارشناسان در حین خدمت

۱. مصونیت قضائی کارگزاران سازمان‌های بین‌المللی

مصونیت قضائی به عنوان مهم‌ترین چهره مصونیت کارگزاران سازمان‌های بین‌المللی بدین معنی است که شخص دارنده مصونیت از اعمال صلاحیت مراجع قضائی دولت خدمت (مأموریت) ایمن فرض می‌شود؛ مگر آنکه سلب مصونیت مذکور اثبات گردد. تنها در این صورت است که مراجع قضائی مذکور حق خواهند داشت نسبت به اعمال صلاحیتی که قبلاً بواسطه وجود قاعده‌ای برتر (حقوق بین‌الملل) معلق شده بود، اقدام نمایند.

در اینجا نکته‌ای که پرداختن به آن ضروری به نظر می‌رسد؛ تفاوت قواعد حقوقی مربوط به سلب مصونیت در دو رشته حقوق سازمان‌های بین‌المللی و حقوق دیپلماتیک یا کنسولی است. در حالی که در حقوق دیپلماتیک و کنسولی هر گونه سلب مصونیت از شخص دیپلمات یا کنسول، جزوی از حقوق و اختیارات دولت فرستنده محسوب

می‌شود. چنین حقی در حقوق سازمان‌های بین‌المللی وضعیت خاصی یافته است. به این ترتیب که، اگر مصونیت کارگزار یک سازمان بین‌المللی در موردی خاص مانع از اجرای عدالت بشود، دبیر کل آن سازمان به عنوان عامی‌ترین مقام اداری آن سازمان، حق و تکلیف به سلب مصونیت از کارگزار خاطی خواهد داشت. گواه چنین قاعده‌ای که در اسناد تأسیسی غالب (۴۶) سازمان‌های بین‌المللی تکرار شده (۴۷)، بخش ۲۳ از ماده شش کنوانسیون عمومی است که مقرر می‌دارد،

مصونیت و مزایای اعطایی به کارشناسان، به سود شخصی و فردی آنان و بلکه برای حفظ منافع سازمان است و چنانچه در قضیه‌ای به عقیده دبیرکل، مصونیت‌های اعطایی، مانع از اجرای عدالت گردد و سلب آن نیز لطمه‌ای به منافع سازمان وارد نیاید او حق و تکلیف سلب مصونیت کارشناس را خواهد داشت.»

در تحلیل این ماده باید گفت که گذشته از قسمت اول آن، که بیانگر قاعده‌ای عرفی در حقوق دیپلماتیک و سازمان‌های بین‌المللی است (۴۸)، از قسمت دوم آن دو قاعده قابل استنباط است. اول آنکه از آنجایی که مصونیت و مزایای مذکور به سود سازمان اعطا شده‌اند، هر گونه انصراف از آنها در صلاحیت و اختیار سازمان است. به نحوی که برای شخص کارگزار نظیر نمایندگان دیپلماتیک (۴۹) حق و اختیاری در این خصوص قابل فرض نیست و دوم؛ تکلیف دبیر کل به عنوان عالی‌ترین مقام اداری سازمان برای سلب مصونیت در موارد خاص است. در حالی که چنین قاعده‌ای در حقوق مصونیت‌های دیپلماتیک و کنسولی ناشناخته است. و باید آن را از مختصات حقوق سازمان‌های بین‌المللی به شمار آورد.

نکته دیگر آنکه مصونیت از تعقیب قضائی به معنای عدم مسؤولیت نیست. مسؤولیتی که ممکن است برای جبران خسارت ناشی از فعالیت‌های کارگزار یک سازمان بین‌المللی بر سازمان مذکور تحمیل گردد.

مصونیت قضائی، تأسیسی حقوقی است که به منظور تضمین استقلال و حسن فعالیت یک سازمان بین‌المللی به مأموران آن سازمان اعطا می‌شود. در این تحلیل هیچ سازمان بین‌المللی‌ای نمی‌تواند با استناد به مصونیت قضائی کارگزارانش که با حسن نیت

از ناحیه دولت‌های عضو پذیرفته شده است، از جبران خسارت ناشی از فعالیت‌های مستقلانه کارگزارانش طفره برود. بنابراین «... مسئله مصونیت از تعقیب قضائی جدای از مسئله پرداخت غرامت برای خسارات ناشی از عملکرد سازمان یا مأمورانش که در اهلیت شغلی‌شان عمل کرده‌اند، می‌باشد... ملل متحد ممکن است در صورت لزوم مسؤولیت ناشی از چنین اعمالی را تحمل نماید.» (۵۰)

۲. تعقیب قضائی Legal Process

تعقیب قضائی ترجمان ترکیب انگلیسی "Legal Porcess" است که بند ب^۱ بخش ۲۲ ماده شش کنوانسیون عمومی، کارشناسی را از هر نوع آن مصون دانسته است. با وجود روشن بودن معنای این مفهوم حقوقی، تنوع نظام‌های حقوقی حاکم بر دولت‌های عضو کنوانسیون این سؤال را مطرح می‌کند که مقصود کنوانسیون عمومی از آن چه بوده است. آیا آن شامل تمامی فرایندهای قضائی شکلی و ماهوی از قبیل قرار، حکم و غیره... می‌شود یا اینکه موارد خاصی از آن مورد نظر بوده است. در پاسخ به این سؤال با عنایت به سکوت کنوانسیون عمومی دبیرخانه ملل متحد با رایه تفسیری موسع و مؤثر از «تعقیب قضائی» چنین مقرر داشته که، «آن شامل تمامی اشکال تعقیب قضائی از قبیل قرار، حکم، احضار، احراز صلاحیت دادگاه، جلب به عنوان خوانده یا شهود یا اقدامات اجرایی به مانند؛ اقدامات قضائی مأموران دولتی از قبیل توقیف و در حبس نگاه داشتن، می‌شود.»^۲ (۵۱)

1. Section 22.(b) In respect of word spoken or written & acts done by them, immunity form Legal process the cours of the performance of their mission, of every kind...

2. "as comprising the entire judicial proceeding, including the write, mandate, summons or act by with the court assumes jurisciction & compls the appearance of the defendant & witnses & acts of execution, as well as acts on the part of public authorities, such as arrest & detention in custody in

آنچه که به طور قطع از نظریه تفسیری مذکور قابل استنباط است، شمول «تعقیب قضائی» مورد نظر کنوانسیون به تمامی اشکال و انواع تعقیبات قضائی قابل تصور است. چنانکه موارد مورد نظر، نظریه تفسیری نیز حصری نبوده و با دقت در عبارات «از قبیل» و «همانند» تمثیلی است.

چنین تفسیری از «تعقیب قضائی» مورد نظر کنوانسیون، مؤید این واقعیت است که دبیرخانه ملل متحد قصد داشته، که آن شامل هر نوع تعقیب قضائی شناخته شده در نظام‌های بزرگی حقوقی جهان شود. روشن است که در چنین تحلیلی لفظ یا عنوان فرایند حقوقی که تحت عنوان «تعقیب قضائی» اعمال می‌شود قابل اعتنا نیست.

منطق حقوقی حاکم بر مصونیت‌های کارگزاران سازمان‌های بین‌المللی نیز جز این حکم نمی‌کند. چه، هنگامی که مقصود از اعطای مصونیت قضائی به کارشناسان ملل متحد تضمین استقلال آنها به نفع سازمان باشد، دیگر هر گونه تفسیری که به موجب آن تعرض قضائی به کارشناسان مجاز شمرده شود، خالی از وجاهت حقوقی خواهد بود. بنابراین در کوتاه کلام باید چنین نتیجه گرفت که «تعقیب قضائی» مورد نظر بخش ۲۲ کنوانسیون عمومی عام است و شامل تمامی انواع آن در نظام‌های حقوقی ملی می‌شود؛ ام از آنکه قبل از ورود به ماهیت دعوی یا پس از آن باشد.

۳. مصونیت از تعقیب قضائی کارشناسان ملل متحد

به موجب بند ب از بخش ۲۲ کنوانسیون عمومی، کارشناسان در حین خدمت ملل متحد به‌ویژه از مصونیت و مزایای ذیل برخوردار خواهند بود:

ب. «مصونیت از تعقیب قضائی در ارتباط با اظهارات شفاهی یا کتبی یا اعمالی که در اجرای وظایف رسمی خود به عمل می‌آورند. مصونیت از تعقیب قضائی همچنان پس از خاتمه مأموریت نیز ادامه خواهد یافت.»

تحلیل حقوقی ماده مذکور مستلزم شناخت «کارشناس در حین خدمت ملل متحد» و تبیین مفهوم «تعقیب قضائی» است که در سطور پیشین راجع به آنها به تفصیل صحبت

شد. بنابراین، جز مقوله تسری مصونیت قضائی به دوران پس از مأموریت کارشناس - که مربوط به قسمت دوم بند ب است - مهم‌ترین مسائل باقیمانده مربوط به چگونگی احراز انطباق رفتار کارشناس با ضرورت‌های شغلی مأموریتش و شناسایی مقام صلاحیتدار برای اتخاذ چنین تصمیمی می‌شود که پاسخ به آنها از مهم‌ترین دستاوردهای قضیه کمارآسامی است.

در خصوص مقوله تسری مصونیت قضائی به دوران پس از مأموریت کارشناس ملل متحد باید گفت که آن ضرورتی گریزناپذیر بوده که بحق مورد توجه صریح کنوانسیون عمومی قرار گرفته است. چرا که در صورت عدم آن، با عنایت به خاتمه‌پذیر بودن هر مأموریتی (Mission)، کارشناس همواره با هراس از اقدامات قضائی احتمالی پس از خاتمه مأموریتش جانب حزم و احتیاط را نگاه داشته یا اینکه اصولاً از انجام مستقلانه مأموریت اعطایی ناتوان خواهد شد. در حالی که چنین وضعیتی در هر حال برخلاف استقلال وی و در نهایت استقلال سازمان است. چه آنکه، در رویه قضائی پذیرفته شده است که، استقلال کارگزار سازمان منجر به استقلال سازمان خواهد شد. (۵۲)

با این حال این سؤال مطرح است که مصونیت مذکور تا چه زمانی ادامه خواهد یافت؟ در پاسخ به سؤال مذکور، چنانچه از متن ماده شش بر می‌آید (بند ب بخش ۲۲) کنوانسیون عمومی ساکت است و فقط مصونیت قضائی کارشناس را به دوران پس از خدمت ارتباط می‌دهد. در حالی که به موجب «اصل شغلی بودن مصونیت سازمان‌های بین‌المللی؛ در ارتباط با اعمال رسمی کارگزار، مصونیت از تعقیب قضائی به طور نامحدودی به زمان پس از پایان مأموریت سازمانی تسری پیدا می‌کند.» (۵۳) متأسفانه چنین سکوتی در خصوص تعیین مقام صلاحیتدار برای احراز انطباق رفتار کارشناس با ضرورت‌های شغلی و چگونگی احراز آن به چشم می‌خورد.

اهمیت تعیین چنین مقامی در آن است که طی بخش ۲۲ برخورداری از مصونیت، قضائی به اعمالی محدود شده که کارشناس در راه اجرای وظایف رسمی خویش، مرتکب می‌شود. بی‌شک چنین قاعده‌ای هنگامی به مرحله اجرا خواهد رسید که مقام ناظر صلاحیتداری بر فعالیت‌های کارشناس، نظارت داشته باشد تا در صورتی که با تردید در انطباق رفتار کارشناس با ضرورت‌های شغلی اش تهدید به تعقیب قضائی شد،

اقدام به بررسی رفتار کارشناس کرده و نسبت به انطباق رفتار مورد اعتراض (تردید) با ضرورت‌های شغلی تصمیم‌گیری کند. در حالی که کنوانسیون عمومی در این خصوص ساکت است.

در حقوق مصونیت‌های دیپلماتیک و کنسولی چنین صلاحیتی به عهده دولت پذیرنده مأمور واگذار شده که حسب مورد، بتواند با خواندن «عنصر نامطلوب^۱» مأموری‌ای را که به عقیده آن دولت از مزایا و مصونیت‌هایش سوءاستفاده کرده از خاکش اخراج نماید. (۵۴)

با فقدان حاکمیت در سازمان‌های بین‌المللی و عدم امکان اتخاذ «عمل متقابل^۲» توسط آنان ناکارایی توسل به چنین قاعده‌ای در خصوص کارشناسان در حین خدمت ملل متحد از هم‌اینک روشن است. در حالی که گفته شد که تعیین مقام مذکور برای استمرار برخورداری کارشناس از مصونیت قضائی، در دولتی که مصونیت او در حال تهدید می‌باشد، ضروری است.

بی‌تردید تشخیص این نهاد تا قبل از صدور نظریه مشورتی کمارآسامی (۲۹ آوریل ۱۹۹۹) با تردیدهای جدی همراه بوده که در دکتترین قابل تعقیب است. با این حال شکل‌گیری قضیه کمارآسامی فرصت مغتنمی را در اختیار دیوان بین‌المللی دادگستری قرار داد که - با وجود عدم درخواست مستقیم از آن - اقدام به شناسایی مقام صلاحیتدار برای احراز رفتار کارشناس با ضرورت‌ها شغلی‌اش نماید.

جدای از این مورد، با وجود آنکه توسل به «نظریه مشورتی الزام‌آور» در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری دارای سابقه است (۵۵)، نظریه مشورتی الزام‌آور کمارآسامی در میان دیگر سوابق، دارای جایگاه خاص است. چه آنکه طی آن برای اولین بار در تاریخ، رویه‌های مشورتی الزام‌آور دیوان بین‌المللی دادگستری و تاریخ سازمان‌های بین‌المللی با استناد به بخش سی کنوانسیون عمومی به حل و فصل اختلافات به وجود آمده میان یکی از دولت‌ها عضو (دولت مالزی) و سازمان ملل متحد (به‌عنوان یک سازمان بین‌المللی) به‌طور عملی از طریق صلاحیت مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری به عهده آن دیوان

گذاشته شده است که بسیار حائز اهمیت است.

چنین خصیصه‌ای در دیگر سوابق آرای مشورتی الزام آور، بی نظیر است. چرا که تمامی آن سوابق، اختصاص به تجدیدنظر از احکامی دارد که از ناحیه دیوان‌های اداری سازمان ملل متحد^۱ و سازمان بین‌المللی کار^۲، در مقام حل و فصل اختلافات به وجود آمده میان آن سازمان‌ها با کارمندان‌شان صادر شده‌اند. در حالی که در قضیه «کمارآسامی اختلاف به وجود آمده میان دولت مالزی و سازمان ملل متحد، مستقیماً و در همان مرحله بدوی به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع داده شده است (۵۶) که در جای خود می‌تواند موضوع مهمی برای یک مطالعه حقوقی باشد.

چنانچه گفته شد، در قضیه کمارآسامی بتصریح اقدام به شناسایی مقام صلاحیتدار احرازکننده انطباق رفتار کارشناس با ضروریتهای مأموریتش شده است، از این رو بررسی نظریه مشورتی الزام آور کمارآسامی - صرف نظر از ارزش علمی آن - پیامد تعیین‌کننده‌ای در موضوع مورد علاقه این نوشته خواهد داشت که با شرح وقایع و چگونگی شکل‌گیری قضیه و تحلیل آثار حقوقی آن در تبیین مصونیت قضائی کارشناسان در حین خدمت ملل متحد به انتهای بحث خواهیم رسید.

۴. قضیه کمارآسامی

همه چیز از آنجا شروع شد که آقای کمارآسامی، مخبر ویژه کمیسیون حقوق بشر طی مصاحبه‌ای که با گزارشگر یک نشریه بازرگانی بین‌المللی نمود، اطلاعات مهمی از فساد قضائی محاکم دولت مالزی را برملا ساخت که زمینه طرح شکایات متعددی را توسط شرکت‌ها تا سقف مبلغ یکصد میلیون دلار امریکا مهیا کرد و از جانب محاکم قضائی مالزی مورد تعقیب قضائی قرار گرفت.

قضیه بدین قرار بود که کمیسیون حقوق بشر با تصویب قطعنامه شماره ۴۱ مورخ

1. United Nations Administrative Tribunal: UNAT.

2. International Labor Organization Administrative Tribunal: ILOAT.

چهار مارس ۱۹۹۴ آقای «داتو پارام کمارآسامی»^۱ یکی از اتباع حقوق‌دان مالزی را به عنوان گزارشگر ویژه خود، در موضوع «استقلال قضات و وکلا» در آن دولت برای مدت سه سال انتخاب نمود. متعاقب چنین انتصابی، آقای کمار آسامی نیز شروع به فعالیت کرده و تا سال ۱۹۹۸ (۵۷) چهار گزارش را تهیه و تسلیم آن کمیسیون نمود.

در حالی که گزارش سوم وی؛ شامل گزارشی فرعی در خصوص طرح دعوی علیه او در دادگاه‌های مدنی مالزی بود. کمیسیون با وجود چنین اطلاعی در نشست پنجاه و چهارم خویش در آوریل ۱۹۹۷ برای سه سال دیگر مأموریت وی را تمدید نمود. (۵۸)

مبنای تعقیبات قضائی (طرح دعاوی) علیه آقای کمار آسامی مصاحبه‌ای بود که وی در نوامبر ۱۹۹۴ انجام داده بود که بعدها در یک مجله بین‌المللی با نام مجله «دعای بازگانی بین‌المللی»^۲ که به‌طور مشترک در انگلستان، ایرلند شمالی و مالزی منتشر می‌شد، به شکل مقاله‌ای چاپ گردید. (۵۹) به ادعای مدعیان آقای کمارآسامی؛ مقاله مذکور - که در آن وی بیش از یکبار به اهلیت خود در مقام مخبر ویژه کمیسیون حقوق بشر استناد کرده بود (۶۰) شامل؛ عبارات افتراآمیز و کذب است که منجر به رسوایی، بدنامی و خواری عمومی آنها شده است. (۶۱)

در این مقاله آقای کمار آسامی در موضوع استقلال قضات و وکلای مالزی به نقد دعاوی معروفی می‌پردازد که در نهایت به عدم استقلال قضائی، وجود نفوذها و فشارهای صنفی بر قاضی و وکلای می‌رسد؛ حتی وی در جایی بتصریح محاکمه‌ای را از مثال‌های بارز انتخاب قضات توسط اطراف دعوا معرفی می‌کند. (۶۲)

شرکت‌ها و وکلایی که در این مقاله به نحو صریح یا ضمنی به آنها اشاره شده بود، با استناد به ورود خسارت‌های مادی و معنوی - جمعاً با طرح دادخواست‌های متعدد - مبلغی را در حدود یکصد میلیون دلار امریکا به عنوان جبران خسارت از دادگاه‌های مالزی درخواست نمودند. (۶۳)

مشاور حقوقی دبیر کل ملل متحد نیز به نمایندگی از دبیر کل با اطلاع از گزارش سوم

1. Dato Param Cumaraswamy.
2. International Commerical Litigation.

آقای کمار آسامی و طرح دادخواست‌های متعدد بر علیه وی، ضمن بررسی مقاله و عملکرد آقای کمار آسامی و اعتراضات یاد شده، به این نتیجه رسید که گفتار مخبر ویژه، همانگونه که خود در مصاحبه مذکور متذکر گردیده در راه انجام مأموریتش بوده و لذا او از هرگونه تعقیب قضائی مصون است. ضمن اینکه چنین نظری در پانزدهم ژانویه ۱۹۹۷ به منظور اطلاع دادگاه‌های مالزی به اطلاع نماینده دایم مالزی در ملل متحد رسید. در هفتم مارس همان سال شخص دبیرکل نیز با بررسی جمیع جهات قضیه با صدور یادداشتی، تصدیق نمود «عبارتی که در این قضیه مبنای ادعای خواهان‌ها قرار گرفته در راه اجرای مأموریت مخبر ویژه بر زبان وی جاری شده است و بنابراین به اعتقاد دبیرکل، آقای داتوپارام کمار آسامی در ارتباط با آنها مصون از تعقیب قضائی است» آقای کمار آسامی نیز با ضمیمه کردن این تصمیم و رأی سابق مشاور حقوقی دبیرکل، به منظور لحاظ مصونیت‌های بین‌المللی اش در دادگاه‌های مربوط، اقدام به طرح دعوی در دیوان عالی کوالالامپور^۱ نمود. (۶۴) دیوان عالی در رسیدگی به درخواست مخبر ویژه، تصمیم دبیرکل را که به موجب آن مخبر ویژه مصون از تعقیب قضائی شناخته شده بود «یک عقیده غیرالزامی با ارزش محدود برای دیوان عالی خواند (۶۵)» و حکم داد که «قادر نیست حکم به بهره‌مندی مطلق خوانده (دعاوی چندگانه) از مصونیت‌های ادعایش بدهد (۶۶)» با این حال، او قادر است که با پرداخت پول (وجه ضمان) اقدام علیه خویش^۲ را تعلیق نماید. (۶۷) متعاقب چنین حکمی مخبر ویژه، وجه الضمان مورد نظر دیوان عالی را پرداخت و ظرف چهارده روز دفاع خویش را آماده و تسلیم دادگاه نمود. (۶۸)

دبیرکل ملل متحد با مشاهده این فرایند، دست به کار شده و خطاب به نخست‌وزیر وقت مالزی وجود اختلافی را از نوع بخش سی کنوانسیون عمومی و امکان درخواست نظر مشورتی الزامی را متذکر شد. (۶۹) افزون بر چنین تذکری با فرستادن نماینده ویژه‌ای به نام آقای «ایو فورتیه»^۳ موضوع را به نحو خاص مورد توجه قرار داد. آقای ایو، طی دو

1. Kuala Lumpur.

2. Motion.

3. Mr. Maitre Yves Fortier.

سفری که به مالزی نمود، سرانجام در ۲۵ جولای ۱۹۹۸ با احراز وجود اختلاف میان سازمان ملل متحد و مالزی به این نتیجه رسید که دولت مالزی با وجود تمامی تلاش‌های ملل متحد در رسیدن به یک راه حل مسالمت آمیز چه از طریق ارجاع جمعی اختلاف به دیوان بین‌المللی دادگستری یا دیگر روش‌های حل اختلاف، مشارکت ننموده و نمی‌کند لذا به شورای اقتصادی و اجتماعی توصیه نمود که در چارچوب بخش سی کنوانسیون عمومی از دیوان، تقاضای رأی مشورتی الزام آور بنماید. دولت مالزی نیز در واکنش به چنین توصیه‌ای «حق سازمان را در ارجاع امر به شورای اقتصادی و اجتماعی برای درخواست نظر مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری اذعان و تصدیق نمود و... اعلام نمود که در صحن دیوان حضور پیدا خواهد کرد و با ارجاع موضوع به دیوان از طریق شورای اقتصادی و اجتماعی مخالفتی ندارد.» (۷۰)

در چنین شرایطی بود که شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد در تاریخ پنج آگوست ۱۹۹۸ با تصویب قطعنامه شماره ۲۹۷ از دیوان بین‌المللی دادگستری، سؤال مشورتی ذیل را درخواست کرد:

«قابلیت اعمال ماده شش بخش ۲۲ کنوانسیون عمومی در قضیه کمارآسامی به عنوان مخبر ویژه کمیسیون حقوق بشر و تکالیف دولت مالزی در این قضیه و فرا خواندن دولت مالزی برای ضمانت تمامی احکام و تعقیبات قضائی صادره محاکم مالزی در این موضوع تا زمان صدور رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری متوقف شود [در حالی که] پس از صدور، آن رأی به عنوان حکم قطعی توسط طرفین پذیرفته خواهد شد.» (۷۱)

پاسخ مشورتی دیوان به سؤال فوق، شامل رهنمودهای ارزشمند عملی در شناخت نهاد صلاحیتدار برای احراز انطباق رفتار کارشناس با ضرورت‌های مأموریت وی و در نهایت شناسایی مصونیت کارشناس، شناسایی اصلی کلی آیین دادرسی حقوق با عنوان «در آستانه یا بدو دعوی In limine litis» و شناسایی تکالیف دول عضو و کارگزاران سازمان‌های بین‌المللی است که به جرأت می‌توان گفت، در نوع خود بی‌نظیر است.

الف. صلاحیت انحصاری دبیر کل در احراز استمرار مصونیت کارشناس تحت تعقیب

پس از تعریف کارشناسان در حین خدمت ملل متحد و بررسی مصونیت قضائی پیش‌بینی شده آنان در کنوانسیون عمومی، حال سؤال این است که چه کسی یا چه نهادی به طور قانونی صلاحیت و مسؤولیت نظارت بر رفتار کارشناس یا به عبارت بهتر صلاحیت و مسؤولیت تطبیق رفتار وی را با ضروریات مأموریتش خواهد داشت. چراکه به موجب بخش ۲۲ کارشناسان فقط «از آن دسته مزایا و مصونیت‌هایی که برای اجرای مستقل وظایفشان ضروری است، برخوردار خواهند بود» و از طرفی دیگر، آنها فقط در قبال اظهارات و اعمالی که در راه اجرای وظایف رسمی خویش به عمل می‌آورند مصون از تعقیب قضائی شناخته شده‌اند (۷۲) بنابراین، با نبود اختلاف در مورد کارشناس بودن کارگزار مورد نظر، اختلاف و مشکل اصلی بر سر انطباق اظهارات و عملکرد وی با ضروریات اجرای وظایف رسمی وی خواهد بود. لذا تعیین نهاد یا شخصی مسؤول و صلاحیتدار برای احراز چنین انطباقی، بسیار با اهمیت است.

در قضیه کمارآسامی هنگامی که دیوان با این استدلال دولت مالزی مواجه شد که دبیر کل را فاقد چنین صلاحیت و مسؤولیتی می‌دانست، چنین اظهار داشت که:

«در روند احراز (یا تعیین) اینکه آیا یک کارشناس در حین خدمت، مستحق برخورداری از مصونیت مقرر در بخش ۲۲ (b) می‌باشد یا خیر؛ دبیر کل سازمان ملل متحد نقش اساسی^۱ را داشته و ایفا خواهد کرد. دبیر کل به عنوان رییس اداری مأموران سازمان در مواقع لزوم، برای اعمال حمایت‌های ضروری، دارای صلاحیت و مسؤولیت است.» (۷۳)

چنین صلاحیتی قبلاً نیز به طور ضمنی توسط دیوان در قضیه جبران خسارت وارده به خدمات ملل متحد در سال ۱۹۴۹ شناسایی شده است:

«با بررسی ماهیت وظایف محوله به سازمان و چگونگی مأموریت‌های اعطایی به مأمورانش روشن می‌شود که اهلیت سازمان برای اعمال حمایت شغلی از مأمورانش از نیات ضروری خارج از منشور ناشی می‌شود.» (۷۴)

مبنای چنین اهلیتی به بخش ۲۳ ماده شش کنوانسیون عمومی باز می‌گردد که به

موجب آن تصریح شده است که، مزایا و مصونیت‌های اعطایی به کارشناسان نه به نفع و سود فردی آنان بلکه به نفع ملل متحد مقرر شده‌اند. «... بنابراین دبیرکل در حمایت از کارشناسان ملل متحد [در واقع] از مأموریتی که به آنها اعطا شده، حمایت می‌کند و در این راستا دبیرکل مسؤولیت و صلاحیت اولیه حمایت از منافع سازمان و مأمورانش - شامل کارشناسان در حین خدمت - را دارد.» (۷۵) به این ترتیب، دبیرکل سازمان شایسته‌ترین شخص برای احراز مصونیت کارشناس است. چنین صلاحیت و مسؤولیتی از سویی دیگر، تکلیف به اطلاع رسانیدن مواضع خویش را نیز به دوش دبیرکل خواهد گذاشت. بدین معنی که در صورتی که دبیرکل، کارشناسی را مستحق مصونیت بداند باید چنین عقیده‌ای را به اطلاع دولتی که مصونیت کارشناس در آن دولت تهدید می‌شود، برساند تا «... محاکم ملی که پرونده‌هایی را در دستور کار دارند که در آنها مصونیت مأمور ملل متحد مطرح است، به فوریت بتوانند از نظریه‌ها و یافته‌های دبیرکل سازمان ملل درباره مصونیت مأمور آگاه شوند...» (۷۶)

به نظر می‌رسد افزون بر اظهارات مستدل دیوان، مسؤولیت و صلاحیت انحصاری دبیرکل از مفهوم مخالف قسمت آخر بخش ۲۳ ماده شش کنوانسیون نیز - آن‌گونه که خود دبیرکل نیز همواره به آن استناد کرده است (۷۷) - قابل برداشت است.

توضیح آنکه به موجب آن ماده احراز این نکته به دبیرکل صلاحیت و مسؤولیت داده شده که آیا مصونیت اعطایی به کارشناس مانع از اجرای عدالت است یا خیر و در صورت مانع بودن، اقدام به سلب آن نماید: «... و چنانچه در قضیه‌ای به عقیده دبیرکل مصونیت‌های اعطایی، مانع از اجرای عدالت گردد و سلب آن نیز لطمه‌ای به منافع سازمان وارد نیابد، او حق و تکلیف سلب مصونیت کارشناس را خواهد داشت.» معنای موجز و روشن این ماده آن است که دبیرکل، صلاحیت احراز توقف یا عدم استمرار بهره‌مندی کارشناس از مصونیت‌ها را دارد و چنین صلاحیتی به عقیده شخص وی واگذاشته شده است. در این تحلیل، مفهوم مخالف این ماده، عبارت از دو قاعده خواهد بود: اول اینکه اصل بر جریان و بهره‌مندی کارشناس از مصونیت است؛ مگر اینکه خلاف آن توسط دبیرکل احراز گردد و دوم اینکه همان‌گونه که دبیرکل، صلاحیت احراز عدم استمرار مصونیت‌ها را دارد، در صورت بروز اختلاف نیز صلاحیت احراز

استمرار مصونیت کارشناس تحت تعقیب را خواهد داشت. چنین احرازی از طریق انطباق عملکرد و رفتار کارشناس با ضروریات انجام مأموریت وی به دست خواهد آمد. برتری چنین استدلالی در این نکته نهفته است که قواعد مشابهی تقریباً در اکثر کنوانسیون‌های مزایا و مصونیت‌های سازمان‌های بین‌المللی، پیش‌بینی شده است که به این ترتیب به قاعده شناسایی شده توسط دیوان، چهره‌عام می‌بخشد و شناسایی صلاحیت انحصاری مذکور را به دبیران کل سازمان‌های بین‌المللی در موارد مشابه تسری می‌دهد. نکته پایانی اینکه؛ به هر حال تشخیص و تصمیم دبیر کل نیز نمی‌تواند بر پایه عقاید انتزاعی وی حاصل بشود بلکه نظر و دیدگاه نهاد اعطاکننده مأموریت به کارشناس است که پایه تشخیص و تصمیم دبیر کل در احراز مصونیت واقع می‌شود.

در قضیه کمارآسامی دیوان به این نتیجه رسید که:

«وی از سوی، در چندین نوبت طی مصاحبه‌اش به اهلیت خویش به عنوان گزارشگر ملل متحد اشاره داشته است و از سوی دیگر، کمیسیون حقوق بشر با وجود اطلاع از طرح دعوی به وسیله مخبر خویش، پس از بررسی سومین گزارش وی، حکم مأموریت او را برای سه سال دیگر تمدید نموده است. بنابراین، اگر در نظر (به عقیده) کمیسیون آقای کمارآسامی فراتر از وظایف گام برداشته بود و در مصاحبه با مجله دعاوی بازرگانی بین‌المللی از حیطة وظایفش خارج شده بود [کمیسیون هیچ‌گاه] این‌گونه عمل نکرده و [مأموریت وی را تمدید نمی‌کرد] بنابراین، دبیر کل می‌توانسته یافته‌های خویش را با مواضع کمیسیون، مستند نماید.» (۷۸)

لذا نظر به صلاحیت انحصاری دبیر کل در این خصوص و نظر وی مبنی بر انطباق اعمال و رفتار آقای کمارآسامی با مقتضیات انجام مأموریتش، (۷۹) او مستحق برخورداری از مصونیت قضائی در قبال هر نوع تعقیب قضائی است. (۸۰) دولت مالزی نیز برای تأثیربخشی به تعهدات بین‌المللی اش مکلف است که این رأی را به اطلاع محاکم و مقامات صالحه‌اش برساند تا مصونیت آقای کمارآسامی به عنوان مخبر ویژه سازمان آشکار گردد. (۸۱)

ب. شناسایی اصل کلی آیین دادرسی حقوق

(قاعده در آستانه یا بدو دعوی litis - In limin)

گفته شد که محاکم مالزی و بخصوص دیوان عالی کوالالمپور با بی توجهی به مصونیت‌های آقای کمارآسامی به عنوان کارشناس ملل متحد، صلاحیت خویش را برای ورود به ماهیت دعوی احراز کرده و وارد ماهیت دعوی شده و حتی مبالغ هنگفتی نیز وجه‌الضمان برای او حکم دادند. (۸۲)

برای مثال نگاهی به حکم دیوان فدرال مالزی در این خصوص، بسیار جالب است. این دیوان با بی توجهی محض نسبت به تصمیم دبیر کل مبنی بر احراز استمرار مصونیت آقای کمارآسامی - که به علت قصور دولت مالزی در به اطلاع رسانیدن کامل آن به محاکم به وجود آمده بود - در تاریخ نوزده فوریه ۱۹۹۸ در رسیدگی به دادخواست آقای کمارآسامی چنین حکم داد که، «... او نه یک سلطان (حاکم) است و نه به عنوان یک دیپلمات، قابل شناسایی است بلکه صرفاً یک جمع‌کننده اطلاعات نیمه‌وقت افتخاری است.» (۸۳)

چنانچه گفته شد، علت اتخاذ چنین احکامی؛ قصور دولت مالزی در به اطلاع رسانیدن مواضع دبیر کل به محاکم مربوطه‌اش بوده؛ چرا که آن دولت در واکنش به تصمیم هفت مارس ۱۹۹۷ دبیر کل مبنی بر احراز استمرار مصونیت کمار آسامی در دوازده مارس طرحی را در دادگاه ثبت نمود که به موجب آن بی آنکه به دستور دبیر کل که چند روز قبل صادر شده بود، ارجاعی داده شود یا اینکه متن دستور، ضمیمه طرح گردد؛ «از دادگاه بنا به صلاحدید خویش خواسته شده بود که قابلیت اعمال مصونیت قضائی را در این قضیه بررسی نماید.» (۸۴) در حالی که، از سوی دیگر، نه از دادگاه خواسته شده بود که بررسی کند که آیا گفتار یا نوشتار کارشناس در راه انجام مأموریتش بوده و نه به این نکته اشاره شده بود که، «در اینکه آیا اعمال یا گفتار ویژه یک کارشناس در چارچوب مأموریتش می‌باشد، تصمیم‌گیری تعیین تکلیف به نحو انحصاری توسط دبیرکل باید اتخاذ شود و چنین تصمیمی دارای آثار قطعی و نهایی بوده و از این رو دادگاه مجبور به پذیرفتن آن خواهد بود.» (۸۵)

در چنین شرایطی بود که احکام و مواضع محاکم مالزی اتخاذ شد بی آنکه به شکل

مقدماتی و قبل از ورود به ماهیت مسئله، مصونیت کارشناس بین‌المللی رسیدگی شود. در حالی که به نظر دیوان رسیدگی به معافیت‌ها و مصونیت‌های اطراف دعوی قبل از ورود به ماهیت آن یکی از اصول کلی آیین دادرسی حقوقی است که در اصطلاح لاتین به قاعده «در آستانه یا بدو دعوی In limine litis موسوم است و تا زمانی که حل نشده است، نمی‌توان وارد ماهیت دعوی شد. به عبارت دیگر:

«مسائل مربوط به مصونیت... از موضوعات مقدماتی‌ای می‌باشند که باید فوری و ضرورتاً در آستانه دعوی In limine litis مورد تصمیم‌گیری واقع بشوند. این یکی از اصول کلی شناخته شده قوانین آئین دادرسی است که مالزی نیز مکلف به رعایت آن بوده؛ در حالی که محاکم مالزی چنین قاعده‌ای را رعایت نکرده‌اند.» (۸۶)

حال از آنجایی که در حقوق بین‌الملل عمل ارگان یک دولت، عمل آن دولت در نظر گرفته می‌شود، باید به این نتیجه رسید که مالزی مطابق حقوق بین‌الملل عمومی رفتار نکرده است. (۸۷) و از تعهدات بین‌المللی خویش قصور کرده است.

ج. تکلیف دولتی که مصونیت کارشناس در سرزمین آن مورد تهدید است

دیوان در قضیه کمارآسامی به این نتیجه رسید که «دولت مالزی یافته دیر کل را در خصوص اینکه آقای کمارآسامی از تعقیب قضائی مصون بوده به دادگاه‌هایش منتقل نکرده است (۸۸)» در حالی که، «هنگامی که محاکم ملی، پرونده‌ای را در دستور کار خود دارند که در آنها مصونیت مأمور ملل متحد مطرح است، آنها فوری باید از نظریه‌ها و یافته‌های دیر کل سازمان درباره مصونیت مأمور آگاه شوند...» (۸۹)

روشن است که طبق حقوق بین‌الملل، مقامات حکومتی یا قوه مجریه طرف تعهدات و مسؤولیت‌های بین‌المللی آن دولت فرضی می‌شوند به نحویکه طبق یک قاعده عرفی که در ماده شش طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در مسؤولیت دولت‌ها پیش‌بینی شده است: (۹۰)

«عمل یک ارگان دولت به عنوان عمل آن دولت در نظر گرفته می‌شود، خواه آن ارگان متعلق به قوه مؤسس، قانونگذار، اجرایی، قضائی یا دیگر قوا باشد، خواه

ماهیت وظایف بین‌المللی یا داخلی باشد و خواه آن ارگان در سازمان دولت

دارای موقعیت فرادست یا فرودین باشد.»

بنابراین، طبق حقوق بین‌الملل عمومی، دولت‌ها در چنین مواقعی مکلف به اطلاع رسانیدن برداشت‌ها و یافته‌های دبیرکل به محاکم ملی خویش می‌باشند و وجود استقلال قوا در دولت عضو یا حتی قصور محاکم ملی از توجه به اطلاعات قوه مجریه که از دبیرکل دریافت داشته‌اند، نمی‌تواند مانع از انجام تعهدات بین‌المللی دولت‌ها (۹۱) در این راستا، تکلیف دبیرکل نیز محدود به برقراری تماس و اطلاع رسانیدن به مقاماتی (مقامات قوه مجریه) خواهد شد که طبق حقوق بین‌الملل در روابط بین‌المللی مسؤول و صالح شناخته می‌شوند.

د. تکلیف کارشناس در حین خدمت و مسؤولیت سازمان

دیوان در نهایت پس از احراز مصونیت کارشناس کمیسیون حقوق بشر اضافه می‌کند که: «... مسأله مصونیت از تعقیب قضائی جدای از مسأله پرداخت غرامت برای خسارات ناشی از عملکرد سازمان یا مأمورانش که در اهلیت شغلی‌شان عمل کرده‌اند، می‌باشد.» (۹۲) بنابراین، در چنین وضعیتی «به شدت لازم به ذکر است که تمامی کارگزاران ملل متحد در هر اهلیتی که فعالیت می‌کنند، باید دقت کنند که از محدوده وظایفشان تجاوز نکرده و به گونه‌ای رفتار کنند که از ایجاد ادعاهای متعدد علیه ملل متحد جلوگیری شود.» چرا که «سازمان ملل متحد ممکن است در صورت لزوم مسؤولیت ناشی از چنین اعمالی را تحمّل نماید، به هر حال همان‌گونه که از بخش ۲۹ ماده هشت کنوانسیون عمومی قابل برداشت است، چنین دعاوی علیه ملل متحد نه به وسیله محاکم ملی بلکه مطابق با روش‌های متناسب حل اختلاف «که متعاقب بخش ۲۹، ملل متحد مقرراتی را در رابطه با آن تهیه خواهد کرد» حل و فصل خواهد شد.» (۹۳) به موجب آن بخش:

«ملل متحد مقرراتی را برای تعبیه روش‌های متناسب حل و فصل؛

الف. اختلافات ناشی از قراردادها یا اختلافات با ماهیت حقوق خصوصی که

ملل متحد عضو آن است؛

ب. اختلافات مربوط به کارمندان ملل متحد با اشخاصی که به واسطه وضعیت کارمندی‌شان از مصونیت‌هایی بهره‌مندند، در صورتی که مصونیت آنها در موارد اختلافی توسط دبیرکل سلب نشود، تهیه خواهد کرد.»

با در نظر گرفتن وحدت ملاک این بخش می‌توان به حکم مشابهی نیز در خصوص کارشناسان در حین خدمت ملل متحد رسید.

یادداشت‌ها

۱. اولین سابقه اعطای مزایا و مصونیت به سازمان‌های بین‌المللی به کنوانسیون Contingentes of the Panama Congress در سال ۱۸۲۶ به قرن نوزدهم باز می‌گردد که طی آن مصونیت‌های دیپلماتیک به عاملین بین‌المللی آن کنگره اعطا گردید. پس از آن نیز به موجب بند ۴ از ماده هفت میثاق جامعه ملل، مزایا و مصونیت‌های دیپلماتیک به نمایندگان دول عضو و کارمندان جامعه ملل اعطا گردید.

۲. واقعیت آن است که مصونیت و مزایای کنونی سازمان‌های بین‌المللی، مفهومی عاریتی از مصونیت و مزایای دیپلماتیک است که از قرن‌ها پیش میان دولت‌ها رعایت می‌شده است. از این‌رو در گذشته‌های نه چندان دور بین مزایا و مصونیت‌های سازمان‌های بین‌المللی و دیپلماتها تفکیکی قایل نمی‌شدند. نمونه بارز از چنین طرز برخوردی، بند چهار از ماده هفت و میثاق جامعه ملل بود که به موجب آن «۴. نمایندگان اعضای جامعه و کارگزاران آن هنگامی که مشغول انجام وظایف رسمی خود هستند دارای مزایا و مصونیت‌های دیپلماتیک می‌باشند.» در حالی که امروزه عدم تناسب و تطابق مبنای مصونیت دیپلماتیک برای مبنای مصونیت سازمان‌های بین‌المللی مبرهن است. بند یک ماده ۱۰۵ منشور، مؤید این ادعاست.

۳. این تقسیم‌بندی متخذ از کنوانسیون مزایا و مصونیت‌های ملل متحد مصوب ۱۹۴۶ است که تقریباً در اکثر کنوانسیون‌های بعدی رعایت شده است: کنوانسیون مزایا و مصونیت‌های سازمان‌های تخصصی ملل متحد مصوب ۱۹۴۷، کنوانسیون مزایا و مصونیت‌های سازمان کنفرانس اسلامی ۱۹۷۶ و کنوانسیون حقوق، مزایا و مصونیت‌های سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو) با دولت جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۹۶ از جمله اسنادی هستند که تقسیم‌بندی مذکور را پیش چشم خویش قرار داده‌اند.

۴. در برخورد اولیه چنین به نظر می‌رسد که مصونیت و مزایای نمایندگان اعضای سازمان‌های بین‌المللی در سازمان‌های مذکور منبعث از مصونیت دولت‌ها در حقوق بین‌الملل است، همان‌گونه که اعطا یا سلب آنها نیز به عهده دولت‌های متبوع نمایندگان می‌باشد. با این حال، باید پذیرفت که از طرفی این دسته از مزایا و مصونیت‌ها در اسناد مصونیت سازمان‌های بین‌المللی تبیین شده و از سوی دیگر بدرستی به منظور حسن انجام وظایف سازمان (ضرورت‌های شغلی) اعطا می‌شوند،

- پس حصر منشاء آن به مصونیت دولت متبوع (حاکمیت) از مبانی صحیحی برخوردار نمی‌باشد.
5. Dupuy Renerjean International Organization & Internations Relations, A Handbook of Intornational Organiations, By Lain Scobbie & Abdollah El-Erian, Academic de Driot Internatinal 1998, p. 839.
 6. Reparation for Injuries Suffered in the Service of the United Nations, I.C.J Reports 1949, p. 180.
 7. February 1984 Memorandum to Legal Advisor, UNRWA, in :United Nations Juridical Yearbook (U.N.J.Y) 1984, p. 188.
۸. افزون بر این، اسناد سازمان‌های بین‌المللی نیز مؤید چنین نظری است. برای نمونه، بخش سوم از ماده هفت موافقتنامه بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه (بانک جهانی (I.B.R.D) بصراحت مواردی را که در آنها می‌توان بر علیه بانک، طرح دعوی نمود مشخص کرده است. برای اطلاع بیشتر بنگرید به:
- Scobbie & El-Erian, *Op.Cit.*, p. 846.
9. Applicability of Article VI, Section 22 of the convention on the privileges & Immunities of the United Nations Case (the So. Called, Mazilu case), I.C.J. Reports 1989, p. 176.
 10. Reparation case, I.C.J Reports 1946, p. 176.
 11. *Ibid.*
 12. "Convention on the privileges & Immunities of the United Nations" Feb.13.1946,21 U.S.T 1418, T.I.A.S. No. 6900, 1 U.N.T.S 261-Agreement Between the U.N & U. S. A Regarding the Headqartes of the U. N, June 26, 1974, 61 stat. 3416, I.T.A.S., No. 1676, 12 Bevans 956, 11(2) U.N.T.S.11.
 13. Agreement Between the Goverment of Islamic Republic of IRAN & E.C.O Relation to Rights, Privilages & Immunities of the E.C.O Secretariat, May 14, 1996.
 14. Agreement on Immunities & Privilages for the Organization of the Islamic Conference, May 15, 1976.
 15. Scobbie & El-Erian, *Op.Cit.*, p. 839.
 16. Mazilu case, I.C.J Reports 1989, Para. 51, p.195.

۱۷. ابتکار کنوانسیون ۱۹۴۶ در پیش‌بینی آرای مشورتی الزام‌آور، سرآغاز شکل‌گیری نمونه‌های متعددی از آن در دیگر کنوانسیون‌های بین‌المللی شده است. که برای مثال می‌توان از موارد ذیل یاد کرد؛ بخش ۳۲ از ماده‌ده کنوانسیون مصونیت و مزایای سازمان‌های تخصصی ملل متحد، مصوب ۲۱ نوامبر ۱۹۴۷ (33 U.N.T.S.261)، بند پنج از ماده‌۹۶ منشور هاوانا برای تأسیس سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۴۶، بخش ۳۴ از ماده‌ده موافقتنامه در مصونیت و مزایای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، مصوب اول ژوئیه ۱۹۵۹ (374 U.N.T.S 174)، بند ب از بخش ۲۱ موافقتنامه مقر سازمان ملل متحد با ایالات متحده آمریکا، مصوب ۲۶ ژوئن ۱۹۴۷؛ ماده‌یازده الحاقی به اساسنامه سابق دیوان اداری ملل متحد و بند دو از ماده دوازده اساسنامه دیوان اداری سازمان بین‌المللی کار.

۱۸. به موجب آن بند «فقط دولت‌ها می‌توانند در قضایای ارجاعی به دیوان، طرف دعوی محسوب شوند.»

۱۹. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به مقاله :

Ago, Roberto, "Binding" Advisory Opinions of the International Court of Justice A.J.I.L., 1991, Vol. 85, pp.439-451.

20. Difference Relating to Immunities from legal Process case (here in After: Cumaraswamy case), Advisory Opinion of 29 April 1999, Para. 25, p.9, in: [http://www. icj-cij. Org/icj www/idocket/inumalinuma-Asvisory.](http://www.icj-cij.org/icjwww/idocket/inumalinuma-Asvisory)

دیوان، ضمن شناسایی و پذیرش این دسته از آرای مشورتی (I.C.J Reports 1956,P.85) اضافه می‌کند که اعطای قراردادی چنین آثاری به آرای مشورتی به هیچ وجه نمی‌تواند «... ماهیت مشورتی کارکرد دیوان را که از طریق سؤال مشورتی از آن خواسته شده تغییر بدهد.» (Ibid) یا اینکه «... نمی‌تواند بر مبانی‌ای که دیوان به واسطه آنها نظریه‌اش را شکل می‌دهد یا در محتوای خود نظریه مؤثر واقع شود» (I.C.J. Reports 1973, Para 14, P.171) «بنابراین باید میان ماهیت مشورتی کارکرد دیوان و آثار خاصی که طرفین اختلاف موجود، در روابط میان خود برای رأی مشورتی دیوان که قدرت الزامی ندارد در نظر می‌گیرند، تفکیک قایل شد.» (Cumaraswamy case 1999, Op.Cit., Para. 25, p.9.)

21. General Assembly Resolution, No. 76(I) 7 December, 1946.

۲۲. اهمیت تعریف کارشناسان و تفکیک آن از کارمندان ملل متحد گذشته از ارزش ذاتی تعریف، در این واقعیت نهفته است که اصولاً کارشناسان بین‌المللی علاوه بر بهره‌مندی از مزایا و مصونیت‌های شناخته شده برای کارمندان سازمان‌های بین‌المللی از مصونیت و مزایای دیپلماتیک

نیز بهره‌مندند. در حالی که، مزایا و مصونیت کارمندان بین‌المللی، مطابق آنچه که از اسناد بین‌المللی قابل استنباط است، در آن سطح نبوده یا اینکه اصولاً برای آنها مصونیت و مزایایی پیش‌بینی نمی‌شود. همان‌گونه که کارشناسان با گذرنامه دولت متبوع خویش سفر می‌کنند، در حالی که برای مثال، کارمندان ملل متحد به موجب بخش ۲۴ ماده هفت کنوانسیون عمومی از اسناد لیسس - پاسر (Laissez Passer) که از ناحیه سازمان صادر می‌شود، استفاده می‌کنند.

23. Mazilu case, I.C.J Reports, 1989, Paras. 9-12, pp.179-180.

24. *Ibid.*, Para. 26, p.186.

25. *Ibid.*, Paras. 13-14, p. 1810.

26. *Ibid.*, Para. 19, p.183.

27. *Ibid.*, Para. 31, p.189.

یکی از ایرادات مهم دولت رومانی به صلاحیت مشورتی دیوان در اعطای نظریه مشورتی تحفظ آن دولت به بخش ۳۰ کنوانسیون عمومی بود که دیوان نظر به آنکه سؤال مشورتی، مبنای سؤال را بند دو ماده ۹۶ منشور معرفی کرده بود آن را غیر وارد دانست؛ چرا که اساساً مبنای سؤال بخش ۳۰ کنوانسیون عمومی نبود تا محل اجرای تحفظ دولت رومانی باشد. حال آنکه اساساً هیچ دولتی قادر به نفی صلاحیت مندرج در ماده ۹۶ منشور نمی‌باشد؛ زیرا اصولاً خارج از صلاحیت دولت‌هاست.

28. I.C.J Reports 1989, Para.1, p.178.

29. *Ibid.*, Para. 47, p.194.

30. *Ibid.*, Para. 24, p.185.

31. *Ibid.*, Para. 19, p.183.

32. *Ibid.*, Para. 49, pp. 194-195.

33. *Ibid.*, Para. 50, p.195.

34. *Ibid.*, Para. 48, p.194.

35. *Ibid.*, Para. 60, p.198.

36. *Ibid.*, Para. 47, p.194.

37. *Ibid.*, Para. 19, p.183.

38. *Ibid.*, Para. 24, p.185.

39. *Ibid.*, Para. 51, p.195.

40. *Ibid.*, Para. 61, p.198.

41. *Cumaraswamy case 1999, Op.Cit., Para.46, p.13.*

به موجب این بند: «دیوان این مطلب را مد نظر قرار می‌دهد که دولت مالزی وضعیت آقای کمارآسامی؛ گزارشگر ویژه کمیسیون را به‌عنوان کارشناس در حین خدمت با توجه به اینکه چنین کارشناسانی از جمله کارشناسان تبعه و مقیم دایم [دولت محل مأموریت] از مزایا و مصونیت‌های مقرر در کنوانسیون عمومی بهره‌مندند، تصدیق می‌کند. مالزی و ملل متحد آن‌گونه که دیگر دولت‌های مشارکت‌کننده در رسیدگی نیز متفق بودند بر سر این نکته توافق کامل دارند.»

42. *Ibid.*, Para. 15, p.5.

43. Mazilu case, I.C.J. Reports 1989, Para. 45, p.196.

44. *Ibid.*, Para. 50, p.195.

۴۵. باید تأکید کرد که بین داشتن صلاحیت و اعمال آن تفاوت است. حقوق بین‌المللی با پذیرش حاکمیت برابر و استقلال سیاسی دولت‌ها (بند یک ماده دو منشور) صلاحیت اصولی محاکم ملی دولت‌ها را شناسایی کرده است. به‌نحوی که هیچ‌یک از مقررات پراکنده حقوق بین‌الملل را نمی‌توان به‌گونه‌ای تفسیر کرد که مستلزم سلب صلاحیت اصولی از محاکم ملی باشد. با این تحلیل، حقوق بین‌الملل نه نافی صلاحیت محاکم ملی دولت‌ها بلکه مکمل و در بعضی از اوقات تعلیق‌کننده اعمال آن نسبت به پاره‌ای از اماکن و اشخاص تحت حمایت بین‌المللی است. مقدمه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، مصوب ۱۹۹۸ نیز صلاحیت دیوان مذکور را «مکمل صلاحیت محاکم ملی دولت‌ها» دانسته است.

۴۶. دکتر جواد صدر، حقوق دیپلماتیک و کنسولی، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۷، ص ۱۰۶.

۴۷. حداقل دو مورد از چنین رویکردی مربوط به ماده ۲۳ از فصل ششم کنوانسیون مصونیت و مزایای سازمان کنفرانس اسلامی و ماده ۱۱ کنوانسیون مصونیت و مزایای سازمان اکو می‌شود که طی آنها قواعد کاملاً مشابهی نظیر آنچه که بخش ۲۳ ماده ۶ کنوانسیون عمومی مقرر داشته، پیش‌بینی و تصویب شده‌اند.

48. Scobbie & El-Erain, *Op.Cit.*, P.856.

۴۹. دکتر صدر، پیشین، ص ۱۰۶.

50. Cumaraswamy case 1999, *Op.Cit.*, Para.66, p.14.

51. The practice of the United Nations, the Specialized Agencies & the International Atomic Energy Agency Concerning their Status, Privileges & Immunities :Study Prepared by the Secretariat, docs. A/CN.4/L.188 & Add. 1 & 2, reproduced [1967] II Yearbook of the International Law Commission 154, para. 250, p.266.

52. Reparation case, I.C.J Reports 1949, pp.183-184.

53. Secobbie & El-Erian, *Op.Cit.*, p.856.

۵۴. نگاه کنید به ماده ۹ کنوانسیون وین راجع به روابط دیپلماتیک مصوب ۱۸ آوریل ۱۹۶۱.

۵۵. اولین سابقه درخواست و صدور نظریه مشورتی الزام آور مربوط به قضیه احکام صادره دیوان اداری سازمان بین المللی کار بر پایه شکایات طرح شده علیه یونسکو در سال ۱۹۵۶ می شود که بترتیب در سال های ۱۹۷۳ و ۱۹۸۲ و ۱۹۸۷ با تجدیدنظر از احکام شماره ۱۵۸ و ۲۷۳ و ۳۳۳ دیوان اداری سازمان ملل متحد تکرار گردیده است.

۵۶. در قضیه مازیلو نیز وضعیت مشابهی پیش آمده بود که امکان اعطای نظر مشورتی الزام آور از نوع بخش ۳۰ را فراهم می ساخت، در حالی که - چنانچه که گفته شد - تحفظ مورخ پیچ ژوئیه ۱۹۵۶ آن دولت به بخش ۳۰ کنوانسیون عمومی مانع از آن شد که دیوان بتواند با استناد به صلاحیت اجباری پیش بینی شده در آن بخش، صلاحیت خویش را احراز نماید؛ از این رو صلاحیت دیوان به واسطه بند دو ماده ۹۶ منشور، استوار گشت.

57. E/CN.4/1995/39-E/CN.1/1996/7-E/CN.1997/32-E/CN.1/1998/39.

58. *Cumaraswamy case*, 1999, *Op.Cit.*, para. 10(4), p.4.

59. *Ibid.*, para. 10(5), p. 4.

60. *Ibid.*, para. 13, p. 6.

61. *Ibid.*, para. 10(5), p. 4.

62. *Ibid.*

63. *Ibid.*, para. 10(11-12), p. 5.

64. *Ibid.*, para. 10(6), p. 4.

65. *Ibid.*, para.10 (8), pp. 4-5.

66. *Ibid.*

67. *Ibid.*

68. *Ibid.*

69. *Ibid.*, para.13, p.6.

70. *Ibid.*, para.10 (15), p.5.

71. *Ibid.*, para.1, p.2.

۷۲. بند ب بخش ۲۲ ماده شش کنوانسیون عمومی ۱۹۴۶.

73. *Cumaraswamy case* 1999, *Op.Cit.*, para.50, p.12.

74. Reparation for Injuries Suffered in the Service of the United Nations

- case, I.C.J.Reports1949, p.184.
75. *Cumaraswamy case 1999, Op.Cit.*, para.51, p.13.
76. *Ibid.*, paras.60-61, pp.13-14.
77. Downladed from: <http://www,icj-cij.org/Docket/NUMA>, p.6.
78. *Cumaraswamy case 1999, Op.Cit.*, para.55, p.13.
79. *Ibid.*, para. 10(6), p.4.
80. *Ibid.*, para. 56, p.13.
81. *Ibid.*, para. 65. p.14.
82. *Ibid.*, para. 10(8), pp.4-5.
83. *Ibid.*, para. 10(13), p.4.
84. *Ibid.*, para. 10(7), p.4.
85. *Ibid.*
86. *Ibid.*, para. 63, p.14.
87. *Ibid.*
88. *Ibid.*, para.17, p.6.
89. *Ibid.*, paras.60-61, pp.13-14.
90. *Ibid.*, paras.61-63, p.14.
91. *Ibid.*
92. *Ibid.*, para.66, p.14.
93. *Ibid.*